مناجات حضرت امیر ع

بخط جناب اشرف

قوام السلطنه

چاپ دوم

مرداد ۱۳۲۷

بها ۱۴ ریال

چاپخانه مجلس

مناجات حضرت امیر ع

بخط جناب اشرف

قوام السلطنه

چاپ دوم

مرداد ۱۳۲۷

چاپخانهٔ مجلس

بپیشنهاد جناب آقای حبیب یغمائی در راجع بشمار مناقب حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام برافعت ثبت

بهار افتخار ۱۴ آبان ۱۳۲۶ الرقم

ای جناب اشرف، آقای قوام السلطنه

ای بنای علم و دانش را ستونی استوار

نسخه‌ای مرغوب و زیبا از مناجات علی

مانده است از کلک مشکینت بگیتی یادگار

یادگاری ارجمندست آن، که نام نیک مرد

گر بماند به کز او ماند سرای زرنگار

مشک را بایست بوی و عود را بایست سوخت

گر اجازت میدهی این نسخه یابد انتشار

حبیب یغمائی

الهی وخلاقی وحرزی وموئلی

خدای من آفریننده من و پناه من و بازگشت من

الیک لدی الاعسار والیسر افزع

بسوی تو در دشواری و آسانی است گریزم

الهی لئن اعطیت نفسی سؤلها

خدای من اگر درخواستهای نفس خود را بدهم

فها انا فی روض الندامة ارتع

پس اینک منم که در مرغزارهای پشیمانی میچرم

الهی تری حالی وفقری وفاقتی

خدای من می بینی حال مرا و فقر و حاجتمندی مرا

وانت مناجاتی الخفیة تسمع

و تو راز گفتن نهان مرا می شنوی


لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلى
مر ترا است ستایش ای خداوند بخشش و بزرگی و بلند قدری
تبارکت تعطی من تشاء و تمنع
بزرگی ترا است که بخشی هر که را خواهی و باز ستانی از هر که خواهی
الهی لئن جلّت و جمّت خطیئتی
خدایا من اگر بزرگ شد و بسیار گشت گناه من
فعفوك عن ذنبی اجلّ و اوسع
پس بزرگی و وسعت عفو تو از گناه من بیشتر است

الهی وآنستی تلقین حجتی

خدایا من انس ده مرا بانکه بیاموزی من حجت مرا

اذا کان لی فی القبر مثوی ومضجع

در آن وقت که مرا در قبر مکان جای نشستن و خفتن باشد

الهی لئن عذبتنی الف حجة

خدایا من اگر مرا عذاب کنی هزار سال

فحبل رجائی منک لا یتقطع

پس رسمان امید من از تو بریده نمی شود

الهی اذقنی طعم عفوک یوم لا

خدایا من بچشان مرا طعم آمرزش خود در روزی که

بنون ولا مال هنالک ینفع

نه فرزندان ونه مال مرا سود رساند

إلهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ

خدای من پس قطع مکن امید مرا و مگردان قلب مرا

فؤادي فلي في سيب جودك مطمع

زیرا که من در باران بخشش تو طمع دارم

إلهي لئن خيبتني أو طردتني

خدای من اگر ناامید گردانی یا برانی مرا از درگاه خود

فمن ذا الذي أرجو ومن ذا يشفع

[illegible]

إلهي أجرني من عذابك إنني

[illegible]

أسير ذليل خائف لك أخضع

گرفتارم خوارم ترسکارم مر تو را فروتنی می کنم


الهی اذا لم تعف عن غیر محسن
فمن لمسیء بالهوی یتمتع
الهی اذا لم ترعنی کنت ضایعا
وان کنت ترعانی فلست اضیع
الهی لئن اخطات جهلا فربما
رجوتک حتی قیل ما هو یجزع

الهی لئن فرطت فی طلب التقی

خدای من اگر تقصیر کردم در طلب پرهیزکاری

فها انا اثر العفو اقفو واتبع

پس اینک در قفای عفو میروم و پیروی میکنم

الهی انلنی منک روحا ورحمة

خدای من برسان مرا از خود آسودگی و رحمتی

فلست سوی ابواب فضلک اقرع

پس نیستم که جز درهای فضل تو دری دیگر کوبم

الهی ذنوبی بذت الطود واعتلت

خدای من گناهان من غالب آمد بر کوه و برتری گرفت

وصفحک عن ذنبی اجل وارفع

و درگذشتن تو از گناه من بزرگتر و بلندتر است

الهی حلیف الحب باللیل ساهر

خدای من همسوگند دوستی شب بیدار است

یناجی ویدعو والمغفل یهجع

فریاد می کند و میخواند و غافل کرده شده خوابیده

الهی منتنی رجائی سلامة

خدای من تشنه کند امید و آرزوی من سلامتی

وقبح خطیاتی علی یشنع

و زشتی گناهان من تشنیع می کند

وکلهم یرجو نوالک راجیا

لرحمتک العظمی وفی الخلد یطمع

مر رحمت ترا که بزرگوار است و در بهشت جاودانی طمع می

إلهي يحيي ذكر طولك لوعتي

خدای من زنده میکند یاد کردن تو سوزش مرا

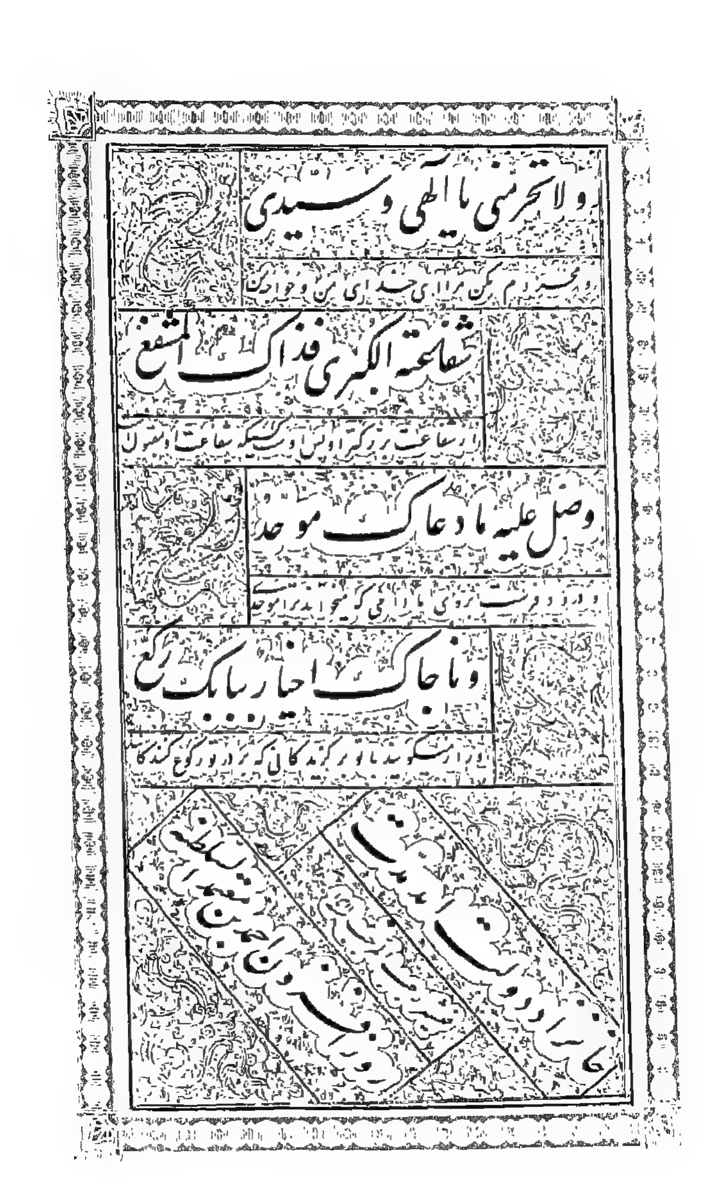
وذكر الخطايا العين مني يدمع

إلهي أقلني عثرتي وامح حوبتي

فإني مقر خائف متضرع

إلهي لئن أقصيتني أو أهنتني

فما حيلتي يا رب أم كيف أصنع


ولا تحرمنی یا الهی وسیدی
و محروم مکن مرا ای خدای من و خداوند
شفاعته الکبری فذاک المشفع
از شفاعت بزرگتر او پس وی شفاعت و مقبول
وصل علیه ما دعاک موحد
و درود و رحمت فرست برو ما دامی که میخواند ترا موحد
و ناجاک اخیار ببابک رکع
و را زگوید با تو برگزیدگان که بر در تو رکوع کنندگان

إلهي فإن تعفو فعفوك منقذي

خدای من اگر عفو کنی مرا پس عفو رهائی دهنده است

وإلا فبالذنب المدمر مصرع

وگرنه پس بجای هلاک کننده افتاده هستم

إلهي بحق الهاشمي وآله

[illegible]

وحرمة أبرار هم لك خضع

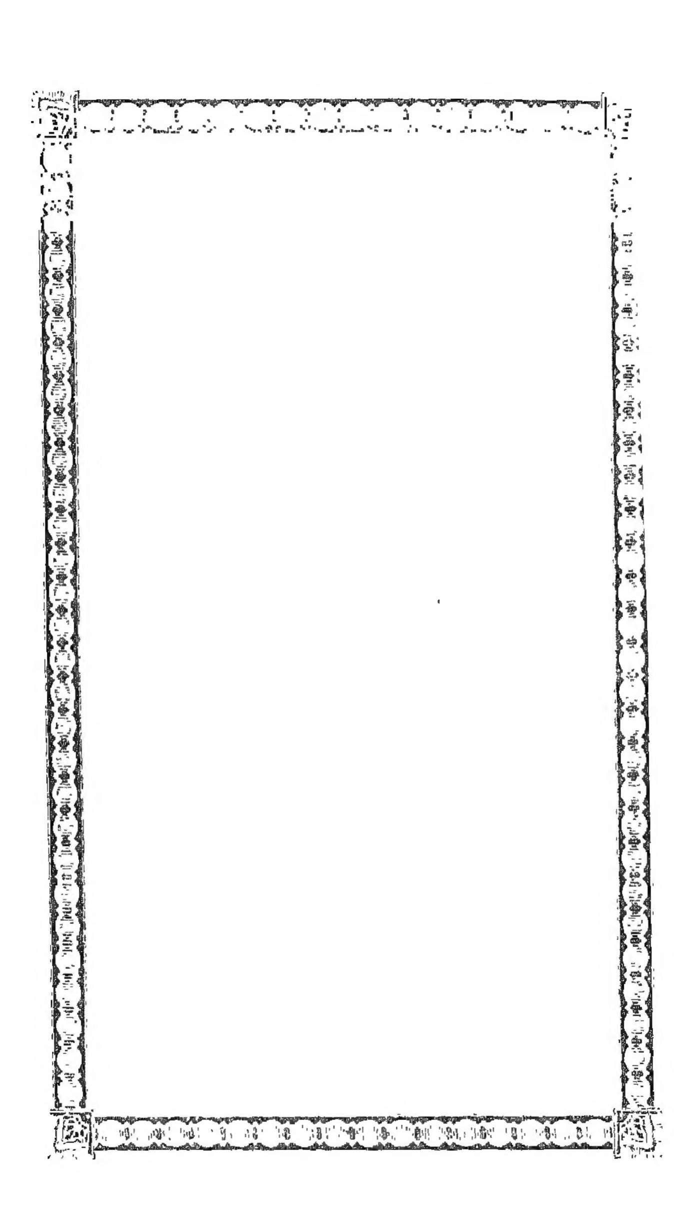
و بحرمت نیکوکاران که مر ترا فروتنی کنند

إلهي فانشرني على دين أحمد

خدای من پس برانگیز مرا بر دین احمد

منيبا تقيا قانتا لك أخشع

انابت کننده پرهیزگار زاری کننده که مر ترا خشوع



کتابخانه دولت علیه ایران

نمره ... ۱۵۲۳

اسم کتاب ... مرقع ... مصنف ...

درجه علم ... بچه زبان ...

اسم محرر میرزا احمد قوام السلطنه تاریخ تحریر ...

روی کاغذ ... بچه خط و قلم ...

عدد صورت ... عدد سرلوحه ...

جلد کتاب ... عدد اوراق ۵ ..

ورق مذهب ... قطع کتاب ...

متن و حاشیه ... یک نسخه در چند مجلد ...

ملاحظات ...

